

رویکرد سیاست خارجی روسیه از سال 1991 تا 2011

احمد بخشایش اردستانی

استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت 91/9/18 - تاریخ تصویب 92/3/26)

چکیده

چرچیل نخست وزیر وقت انگلیس در 1939 چنین ابراز نمود که "اقدامات روسیه قابل پیش بینی نیست. چون روسیه معمایی است که به طور اسرار آمیزی در یک راز پیچیده است". برخی از نخبگان سیاسی ایران نیز روسیه را متحد غیر قابل اعتماد معرفی می نمایند که تا حد زیادی نشان و ترجمانی از گزاره چرچیل در فرهنگ ایرانی است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991، و تولد روسیه، اندیشه و رویکرد این کشور در بعد سیاست خارجی از سه دوره عبور نموده است. این دوره ها عبارتند از "رویکرد همکاری با غرب"، "رویکرد ادغام گرایی در غرب" و نهایتاً سیاست نگاه به شرق که در قالب "رقابت جدید" با غرب در سال 1999 پس از مداخله نظامی ناتو در یوگسلاوی سابق و به بازی نگرفتن روسیه در آنجا ادامه می یابد.

مقاله حاضر کنکاشی است در مورد سیاست خارجی روسیه و دوره های مختلف آن که خواهان شناسایی خود به عنوان قدرت دوم جهانی از سوی غرب می باشد. غرب و در راس آن ایالات متحده آمریکا علاقه ای به شناسایی روسیه به عنوان قدرت دوم جهان ندارد و این نقش را به رسمیت نمی شناسد.

واژگان کلیدی: روسیه، پوتین، سیاست نگاه به شرق، ادغام گرایی در غرب، رقابت جدید

مقدمه

نگر شجید حاکمبر سیاست خار جیروسیه جدید را باید ادامه همان «اندیشه سیاست

خارجی» دوران گور باچفدانتست. بهنظر میرسد باکنار گذاشتن کاملاً ایدئولوژی کمنیستی و نقش جهانی شوروی، سیاست خارجی مسکو دچار تحولی اساسی گردید. از ایوانخوفا پتر کبیر و از کاترینتاالنینو استالین، پارادایم دولتمداری و سیه هموار هدر بردارنده دهه عنصر اساسی بوده است این سه عنصر عبارتند از: برتریا هدا فامنیتملیو سیاست خار جیبر توسعه اقتصادی، سیاسیو اجتماعیدر داخل؛ یکجزء قویو گاهغالیمو عودگر اییایدئولوژیک (از روسیه به عنوان «روم سوم» تاپاناسلاویسمو نهایتاً «سوسیالیسم جهانی»)

باتفکر جدید سیاست خار جیگور باچفوبهویژ هدر سالهای نخستین ساز فر و پاشی، بهنظر میرسد که هدر تماماً این عناصر تجدیدنظر صورت گرفته باشد. این نخستین بار پس از سال 1914 بود که روسیه خود را در جنگ واقعی، سر دو با طبقه اتیبا هیچکشو ریانظامینمیدید.

حتی در سند تدبیر سیاست خار جی فدراسیون روسیه که از سال 1992 بر رویانکار شدو در 25 ژانویه 1993 از سویوزار خار جیهبه کمیته امور بینالمللور وابطا اقتصاد خار جیدوما ارائه شد، از نهمورد منافع حیاتیروسیه، فقطیکمورد آن به جهان خار جمر بو طبودو حتی آنهمجنب هدا فدا عیداشت. سیاست خار جیروسیه، بهوسیله منافع عملیشکل می گرفتو ایدئولوژیدر آن جایبنداشت. بهقولکوزیر ف: «رقاتبایدئولوژیهای پایانیافتهوز مانر سیدگیبهنیاز هایروسیه فرار سیده است.»

منافع حیاتیروسیه رانه جز مها و دگمهای ایدئولوژیک، بلکه منافع ملیاساسیشکلخواهد داد. از سویدیگر، بهنظر میرسد که هشتچهار صدساله گستر شامپ ر اتور بیهفر اموشی سپر دهشده استو سر انجام اینکه، کاهش عمدهاید ر مخار جنظامیداد هشد، به طوریکه بودجه ارتشدر سال 1992 به 38 درصد آن در سال 1991 و سطح مخار جی سلاحه ایمت عار فدر اینسال به چهار برابر کمتر از سال پیش رسید. همچنین هزینه های دفاعیتنها پنج در صد تولید ناخالص داخلی بود. اینموضوع مانیکویاتر خواهد بود که بهار قمد اقلیانز ده در صدیتولید ناخالص داخلی مانشو (Jenson, 1994, 17) ویمقایسه شود.

در فوریه 1992، یلتسینبر «تقویت جایگاه جدید روسیه در جامعه بینالمللی متمدن و تأمین کمک غرب برای اصلاحات اقتصادی» به عنوان «دو اصل اساسی سیاست خارجی

(kyun woo, 2002, 89) روسیه « تاکید کرد. کار به جای سید هبود که دستگام سیاستخارجی و اتحادیه آمریکا و دیگر کشور های غربی و عضویت در ناتو بود، چرا که از این نگاه، مسکو و واشنگتن و شریکو همکار تلقیمی- شدند که به یکدیگر در یک مسیر گامبر می داشتند. دستاورد کار ان سیاستخارجی و سید هبود این دوره، که به «بینالمللگر ایان»، «لیبرالها»، «آتلا نتیکگر ایان» و «یا» «غربگر ایان» مشهورند، رفتار خارجیمو انطباقجویانهای غربی در پیشگرفتند، بهطوریکه آنقدر هکوزیر ف، وزیر امور خارجه وقت معتقد بود که «دوستی با کشور هایتر و تمدن دموکراتیک از هم آغوشی در ان بهار رژیم های فقیر و استبدادی بهتر است».

از نظر او، دموکراسیهای غربی بیتمدن و طبیعیر و سید هبود ان شته می شدند و روسیه میبایست وضعیتی (Balcker, ک) «کشور نر مال» و شریکو قبلا اعتماد در جامعه و ملت مدرن را پیدا کند. 1998, 170

اولویت اصلی سیاستخارجی و سیه، عضویت در نهاد های غربی بود، چرا که این کشور بر ایمو فقیتدر اصلاحات به حمایت از نهاد های نیاز داشت. آنها امیدوار بودند که پیوستن روسیه به نهاد های بینالمللی، به انتقال هنجار های دموکراتیک به روسیه و تضمین همکاری های چند جانبه کمک کند. به لحاظ امنیتی، این امید وجود داشت که در پایان جنگ سرد، نقش ناتو تضعیف شود و سازمان امنیت و همکاری و پادرسیر یکپارچه گیر و سیه با غرب، نقشیکه نهاد امنیت برتر را عهده دار شود. توجه به غرب بیاهمیت شدن آسیا و جهان اسلام را به دنبال داشت. (کولایی، 1376، 18)

همکاری روسیه و غرب در این دور ه به سطحی سابقه های رسید و وسها کوشیدند تا خود را به هنجار ها و قواعد نهاد های بینالمللی و به ویژه سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری و پامتعهد سازند. آنها همچنین بهادغام در اقتصاد جهانی سر مایه دار یه متگما شته و خواهان عضویت در گروه هفت کشد و صنعتی جهان شدند و در نهاد های چو نصد و قبینا مللیول، بانک جهانی، بانک و پایباز ساز ی (Balcker, 1998, 170) و توسعه، و شور ایار و پا حضور یافتند.

آغاز نگرانیها و شکل گیری جریانات مخالف (1993-95)

مسائل چون « برنامه مشارکت بر ایصلح» توسط ناتو در سال 1994 که به منظور تقویت همکاری سیاسی و نظامی ناتو با

کشور هایتاز هاستقلالیاافتهایجادشد، موجبانتگرانیمسکور افرهماورد. هر چند که هر وسهابهامیدتبدیلانبه نهادی جایگزینبر ایعضویتکشور هایشور وپیشین، عضویت دربر نامهمشار کتبر ایصلحر پذیرفتند. مسکوباو جودمخالفتهايشدیدی داخلی، درجهتعضویتدر ناتوبههمکار بیاندر جریانبحرانبالکاناز 1992 تا 1995 پرداخت، اماوقتی که در سال 1995، شر ایطعضویتدر آنساز ماناعلامشد روسهانا امیدشدند.

پنجمعیار بر ایعضویتدر ناتو عبار تبودندان: استقرار دموکراسی، احترامبهحقوقبشر، اقتصادبازار، کنتر لغیر نظامینیر و هایمسلح، و روابطخوببادولتهایهمسایهوجلاختلافاتقومیدر داخل. اگرچهبرخیاعضایناتو چونترکیهنیز از نظر معیار هایفوقدار ایمشکلاتزیادی هستند، امااعلامچنین معیار هایبدر اینزمانبهمعنایدستر دبهسینهر و سیهبود.

مشکلاتسیاستخارجیباغرب، بهویژهزمانیمایانشدکه تحت فشار افکار عمومیدر داخل، همکار بیاناتو ساز مانملل متحددر یوگسلاوی (در جریانجنگدرو اسیبوسنی)، بهسویتمایلبهیدکشریکبر ابر با امریکاو قدرتهایبزرگرو پاییکشیدشدو در نتیجه ر و سیهبهستیز هومقابلها طرحهایصلحرویاورد. سیاستاتحادیانسلاویطرفدار انزیادیپیدا کردو دو مایر و سیهدر ژانویه 1994، قطعنامهیتصویبکرد کهتحریمعلیهصر بستانرا در حملاتهو اییناتو علیهصر بهار امحکوم می کرد. اما تشدید حملاتناتو علیهصر بهابهرو سهانشاندا دکهاز یکسو همکار یانهابا غربیبتأثیر استو از سویدیگر، بهافکار عمومیر و سیهاهمیتداد همنیشود.

بهطور کلیطیسالهای 1994 و 1995 اختلافنظر در بسیار یاز مسائلحیاتیبینالمللی، تأثیر مهمی برروابطروسیهو امریکانهادکه میتوانبهبر خوردمنافعدودولتدر همکار یهایدوجانبهاکشورهایخارجینزدیکو صادر اتاسلحهوتکنولوژیبه کشور هایجهانسوماشار هکرد. هماینها بهر شدقابلملاحظه احساساتانتقادیدر خصوصرابطهها امریکاکمکرد. در نتیجه، دلرس دیبسیاریاز محافظلاصلاحطلبرا درجامعهر و سیهنسبتبه دور نمایاندیشته تبلیغاتیشریکاستراتژیک، درپیداشت. مجموعه اینمسائلو موضوعاتمنجر بهقدرتمندتر شدنجریاناتمخالفتشدهو یلتسیندر آستانهانته

خاباتجدید ریاستجمهوری (1996)

بر ایبھودو جھدا خلی خود، ناگزیر بہر کناری کوزیر فور و پاور دن بہر چہر ہایغیر لیبر الو محتا طدر مقابلغر بنمود.

یکیا ز مہمتر ینمنتقدانسیاستخارجیکوزیر ف، مدیر ساز ماناطلا عاتخارجی، یوگنیپر یماکفب ود.

کوزیر فتمہمشدکھر و سیدر نتیجہسیاستہایوی، متحدان خود از دستداد ہو دیگر نمیتواند ر اوضاعجہان نقش تعیینکنندہ ایداشتہ باشد، ونیز مسکو دیگر بر ایکشور ہایخارجیتر سناکنی ست.

از نگاہ

فوق، دیلماسیر و سیدر نیمہنخستہ ۹۰ بہدلیلانکہ تمامسیاستخود ر در روابطناتو، آمر یکاو غر بخلاصہ کرد ہو، بیاتر وفاقدپار امر ہایمعمولیو مطلوبدنیابود.

نادیدہگر فتالز امانژ ٹوپلٹیک، عدمدر کمنافعملیر و سید، آر مانیو غیر عملیو ندستور کار ہای سیاستخارجی، جہتگیر ینسبتاً مبہمو عدمدر کوتفامدر مور دشر یکو متحداز دیگر انتقاد اتیا ستکھر سیاستخارجی و سیدر نیمہنخستہ ہو ار دشدہ است.

ہمچنین، گفتہ شدہ استکھر اینسالہا، میر اٹشور و یدر ساز مانمل متحد بہتار اجداد ہشد ہو در ذ تیجہان، ساز مانمل متحد ر ابہضمیمہ سیاسیاناتو تبدیلنمودہ است.

پس، آنچہکھاز سال 1993 در ر فتار خار جیر و سیدمشاہد ہشد، نشانہ ہند ہتغیر اتیاساسیبود کہبا اصولسیاستخارجی بگر ایسالیہا یو لیہپساز فر و پاشیمتفاوتیود.

عز مروسیدر انتقال تکنولوژی بہاینظامیو فر و شجنگافزار بہکشور ہایایران، چینو ہند، تأکید بر جداییناپذیر بجز ایر کوریلاز روسیہ، مخالفتبناگستر شناتو، اقداماتنظامیدر سر زمینہایشو روسابقہمانند آبخاز ستان، تاجیکستان، آذربایجان، مولداویو چینو مخالفتبناگناتو علیہ صربستاناز مہمترین فتار ہاییبودکھغر بیہار انسبتبہر و سیدہنگر انساخت.

اہمیت یافتنخاور نزدیک (1996-98)

برگزیدن یوگنیپر یماکفبہعنوانوزیر خار جہ، کہکار شناسمسائلخاور میانہودوستنزدیکصدا محسینبود، رضایتافکار عمو میداخلر و سیدہونگر انیکشور ہایغر بیر ابہدنبالداشت.

غر بیہاور ابہعنوانرئیسساز ماناطلا عاتو کسیکھر جریانبحر انخلیجفار سدر بر ابر دیدگان جہانیانصدامحسینرادر آغوشگر فتنہبود، می شناختند.

درواشنگتن، پریماکفیکسیاستمدار ضد آمریکایی محسوب می‌شود و این انتخاب خدمت‌تیبها مریالیسم روسی پنداشت می‌شود.

از نظر آنها، پریماکفتر فدار احیای اتحاد جماهیر شوروی و احدو نظار تمسکوبر همسایگان بود.

(آنچهدر ادبیاترو ابطبینا الملبله عنوان «دکترین پریماکف» مشهور است. 1998, 115)

دکترین پریماکف مجموع عهدیدگها بیاطلاق می‌گردد که بار ویکار آمدنویاز سال 1996 مطرح گشت.

از نظر پریماکف، روسیه نباید صرفاً بهار زشهایغز بیتوجه کند، زیر ادارایموقعی تیمنحصر به هفردبر حسبش ایطرژ نوپلنتیکویتار یخیاستکهر یشهدراروپا و آسیادارد. ویزگیاور آسیایان، روسیهرا چندقومی، چندزبانو چندمذهبیبهشیو هایکهگر ایشاتمتفاوتیر اردرونکشور و باهمسایگان ایجاد می‌کند. از اینرو، روسیه نمیتواند از منافعو علاقوارزش-هایی که بهطور عمد هایمتفاوتاز جامعهار وپایی- امریکاییاست، فرار کند. علاو هبر این، مطابقتر شاور آسیاگرایی، روسیه منافع مهمیدر یک نظام بینالمللی چندقطبیر ای محدود کردن قدرت آمریکادارد، چر اکهر و سیهعلا یقجد اگانها یدار دکهبامنافع آنکشور یکساننیست.

در کنار وزیر خارجه، افراد دیگر چونالکسیار باتفوکار اگانفیز همیندیدگها را داشتند و اینها در خلا فکمونستها و ملیگر ایانبر اینباور نبودند که منافع روسیهلز و مادر مقابلکشور هایغز بیقرار میگیرد، بلکه نگرانیا صلی اینها از عدم تعریف و شنم نافع ملیر و سیه بود.

پریماکف در جستوجوی یکژ نوپلنتیک چندقطبیبو دکهر و سیه جایگاهواقعی خودشرادر کنار آمریک اودیکر قدرتها یبزرگ بیابدو «سیاست خارجی روسیه در خدمت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ باشد»

دکترینا، تلاشبر ای ایجادتوانقدرتدر جهانوحفظروسیه بهیکقدرت بزرگو یا حداقل قدرت دوم بود. بر ایرسیدن به اینهدف، لازم بود که

مسکودر سیاستخارجی خودتجدید نظر نموده و بابرقراریکنترلدوبار خوددبر جمهوریهایتنا زهاستقلالیا فتهور و ابطمستحکمتری باکشور هایمخالفسیاستهایدولتآمریکانظیر چین، هندوایران و سوریهبر ای جلوگیریاز نفوذغربدر منطقه، ایجاد نماید. (وحیدی، 1379، 78)

همچنین و ابطنهتر باکشور هایخاور میانهو خاور نزدیکدر سر لوحهسیاستخارجی جدیدقرار گرفت. هدفانبود کهدر مقابلاتحاد آتلانتیکبهر هریامریکا، بایونندنزدیکترمیانر وسیهوقدر تهیاسیا بی، یکموز نهاور اسیا بیی ایجادشود.

یکدیگر از مسائلمهمیشرو ویدستگاهسیاستخارجیرو سیهدر آنزمان، مسئلهگستر شناوتوبهسد ویشرقو همسایگیبار وسیهبودو پریماکفباشعار جلوگیر یاز تحقیقاینموضوع، وار دوز ارتامو رخارجهدشو همزمانبا مخالفتاباگستر شانییمان، بهتوسعهمناسباتومشار کتباناتوپر داختر. اوبهمشکلاترو سیهدر اینرابطهاذعانداشتکه «نمیواندو نمیخواهد پیوستنکشور هایدیگر را بهعضویتناتو وتو کند، اما اینکشور حقدار ددر بار هاوزاعناگوار ژئوپلتیکیصحتکند».

در سیاستنگاهبشرق، روسیهنبهعنوانیکابر قدر تدار اییکنقشجهانی، بلکه یک «قدرت بزرگ اوراسیایی» پنداشتهد کهنقشومنافعخود در ادر منطقهاوراسیاتعریفمیکندو از بالکانتاخاور میانهوشرقآسیامحدود دهاییازیگری خود را نقطه گذاری می کند. باطرحعضویتکشور هایچک، مجارستانولہستاندر ژوئیه1997 توسعهناتو وار دمر ا حلیدیدشد. اینمسئلهصر فآبهوسیلهبیانیهاصولیناتوور وسیهوتشکیلشور ایدائمناتو- (Ted.G.2001) روسیهباعث گردید تا حدودیموجباتآرامشروسهار افراهماورد. اما روسها در سال1998 از تمدید عضویت خود در « برنامه مشارکت برای (40 صلح ناتو» خودداری کردند.

در سال 1998، آمریکاباهدفمحدود کردنر وسیهدر مسیر احیاینفوذپیشین، مجموعهایاز کشور هایگر جستان، اوکراین، آذربایجانومولداویر ادرگروهیموسومبهبگوامگردآور دکهبعدآز یکستاننیز به آنپیوست. اما بامجموعهحوادثیکهدر سال1999 بهوقوعپیوست، شکافیاساسیمیانر وسیهوناتو ایجاد شد کهآندوراتامرز رویاروبینظامییشبرد. عضویترسمیسهکشور اروپایشرقی، درخواستعضویتته کشور دیگر در قالب «طرحاقدامبرایعضویت»

عملیات نظامی در یوگسلاوی در جریان بحران بوسنی و کوزوو و تصویب مفهومی ماستر اثر یکجذباتی، آخرین ضرب بهر ابر تر تیبیات همکار یروسیه و ناتو فرود آورد.

جنگ سرد جدید (1999-2000)

از میان مسائل گوناگون نمط حذر و ابتر و سیه و غرب، دو موضوع اعزاز اهمیت و حساسیت بیشتر یروخوردار بود هاند: استقلال جمهوریهای جدید هاز شوروی سابق و اقدامات ناتو و بحث گسترش آن. در ارتباطات نیز سهتحو لا ساسیمشا هد همیشه دکهبه سیاست ضد غربی در روسیه کم کرد ه است:

بمباران مواضع غیر و های صرب، تجدیدنظر در مفهومی ماستر اثر یکجذباتی بر اقدام در و رایمرز ک شور های عضو، و دخالتات در کوزوو. در واقع بحر انکوزوو و نقطه عطف هشدار دهند های بود که بر این نخستین بار پس از جنگ سرد، روسیه و غرب خود را در دو سوی یک منازعه مسلحانه میدیدند. هفتاد و نه

روز بمباران گسترده را از صنعتی، ارتباطی و نظامی یوگسلاوی در حال تصور تگر فکته کی کسالی پیش از آن، بلگراد بر ای ایجاد اتحادیه.

ایسه جانبها از کشور های اسلاو و بامسکو و مینسک در مقابل گسترش شیبمانات و کوشید ه بود. در جریان بحران کوزوو، کشور های مجارستان، رومانی و بلغارستان بهر و سها اجازه دادند که از ضایعات آنها استفاده کند و آنچه که مسکو از این بحر اناموخت این بود که غیر حاضر نیستند و سنسیر و سیه را در بالکان بهر سمیت بنشاند.

زمانیکه اسناد مربوط «تدبیر امنیتی» ، «تدبیر سیاست خارجی» «دکترین نظامی» در آغاز سال 2000 منتشر شد، مفاد آن به خوبی بیان کنند هی که دیگر گونیاسیو بد نیادیندر سیاست و سیه نسبت به جهان غرب بود. در مفهومی جدید سیاست خارجی روسیه، بر تلاش برای حمایت از منافع ملی جهت نیل به اهداف زیر تأکید شده است: «تضمین امنیت اقلیتها در کشورهای، حفظ تقویت حاکمیت و تمامیت سرزمین، دستیابی به جایگاه محکم و مدار ای حیثیت در جامعه جهانی که با منافع و سیه به عنوانی که قدر تیزر گویکی از مراکز دار اینفو ذ همخوانی کامل داشته باشد. همچنین، تأثیر گذار بر فرایند های کلی جهانی با هدف شکل دادن به یک نظام جهانی عادلانه و دموکراتیک، شکل دادن به کمربند حسی که همجواری در اطراف مرز های روسیه، تشویق حذف مینه های تنش منازعه و پیشگیری از ظهور آنها در مناطق مجاور قدر اسون روسیه، و حمایت Putin، از حقوق منافعش و ندان روسیه و همیها نامقیمخارج. بهر طریق ممکن.»

(2000, 29)

در اینسند به چالشها و تهدیدهای جدید در حال ظهور نسبت به منافعمایر و سیه، و ندر شدیابند هتلا شبر ای ایجاد یک ساختار تک قطبی جهانی که در آن امریکان نقش غالب خواهد داشت، و تأکیدیکه بر نهادها و مجامع غربی بر این تضعیف نقش شور ایامنیتساز مانمل متحد و جو دار د، اشار هر کرده است. از ایننگاه «استراتژی اقداماتیکجانبهمیتو اندو وضعیتینالمللی ایبیتاتساز دو باعثنشو مسابقهت سلححاتیو کشمکش میان دولتهاگر دد»
ضمنتأکید بر نظام چند قطبی، پیگیری «سیاستخار جیمستقلو سازنده»
بر اساس وضعیت ژئوپلیتیک و سیه به عنوانیکیز
بزرگترین قدرتها و اوراسیامدنظر قرار گرفته است.
همچنین، اولویتها یسیاستخار جبر و سیه در سطح جهانی عبارتند از:
ساختار نظام بینالمللی، امنیت بینالمللی، روابط اقتصادی بینالمللی، حقوق بشر و حمایت اطلاعاتی
(Dobriensky, 2000, 135) ز فعالیتها یسیاستخار جی

طبق اینسند، روسیه علاقمند به سیستم ثبات و ابط بینالمللی بر مبنای اصول عدالت، احترام متقابل و همکاری است و مایمانافع متقابل است که در چنین سیستمی، ساز مانمل باید مرکز عمدت تصمیم گیر و ابط بینالملل در قرن 21 باقیماند و روسیه مخالف تلاشها یسیاست که بر ای کمکردن نقش ساز مانملو شور ایامنیتدر امور جهانی صورت میگیرد.

همکاری با غرب در برابر تهدید مشترک پس از 11 سپتامبر

در حادثه 11 سپتامبر به سرزمین اصلی آمریکا حمله شد.
موضوعیکه از طرفواشنگتندر شمار منافع فوق العاده حیاتی قرار دارد. چرا که از سال 1813 تاکنون سرزمین آمریکا هرگز مورد حمله مستقیم قرار نگرفته است.
بدین ترتیب، مسئله تروریسم در دستور کار امنیت آمریکا و ناتو قرار گرفت.
در واقع، این حوادث با قرار دادن تهدید عینی و مهم در مقابل غرب، نیاز به حفظ ناتو و بر ای مقابل جمعیت با آنرا بیش از پیش ضروری ساخت و نقش اساسی آنرا بر ایامنیت این کشورها بیش از هر زمان دیگر یافت
کار می ساخت. همچنین با کنار گذاشتن روسیه از فهرست تهدیدات غرب، بهاز میان برداشتن فاصلهمو جو میان ناتو و روسیه کم نمود و هوشر ایطر ابر ایهمکاری فر اهممی نمود.
این حوادث، روابط آنها را از بار فشار روانیکدورتها و مشکلات سال 1999، به سوی مقابله با

(Mendelson, 2002, 170) دید مشترک یعنی تروریسم سو قداد.

پوتیندر نخستینسخنرانیخودپساز 11 سپتامبر از وجود دشمنان « جهان متمدن» یاد کرد و ضمن اعلام همدردی با آمریکا، حمایتصریح خود را از هر اقدامیکهآندولت ممکناسد تیهاجر اگذار د، ابراز داشت. در 24 سپتامبر نیز طر حیر ادر اینر ابطها اعلام کرد که بر اساس آن، تأکید شد هیو دکهمسکو در م وار دیچون «مسائل اطلاعاتی، دسترس سیه فضایی کشور های آسیایمرکزی، عملیات تاجاتو جستو جوی بینالمللی، و کمکهای نظامی و بشردوستانه به گرو ههای ضد طالبان» با و اشنگتن همکاری میکند.

از نگاه ر بیها، پوتین به دستور کار جدید امنیت بینالملل مطرح شد هاز سوی آمریکا پیوسته است. اما تفسیر و سیهضیه آن بود که آمریکا و ناتو، سیاستهای ضد تروریست و سیه راهبر اپساز یکدههدر ککر دهاند. ر و سهادر سالهای اخیر همدردی داخل مرز های قدر اسب و نر و سیهو همدردی جمهوریهایی بر امونیک خود در آسیایمرکزی و قفقاز با استقلال خواهیگر و ههای قومیمو مذهبی که بیشتر متأثر از اسلامگر اییاقا نستاناستر و یار و بود هودر بسیار یاز مو ار د بهسر کونظامیانها بر داختهاند. اما هموار هاز سویار و پاییها و آمریکا بیها مور دسر ز نشقر ار گر فتهودر مو ار دیهمفشار هاییا ز اینناحیه محتمل شد هاند (قضیه چچن).

پوتین با مردود دانستن دیدگاه کسانی که اقدامات آمریکا را از نظر ژئواستراتژیکو به عنوان امر حله ایجادیدان نزدیک شدن ناتو و آمریکا به حوز هنفوذ و سیه تحلیل میگردند و وضعیت موجود را به عنوان فرصتی جدید بر ایر و سیه در نظر گرفت. این وضعیت جدید ابر خیبه « پایان کامل آنچه از جنگ سرد باقی مانده بود» تعبیر کرد دهاند.

این بار بر خلاف نیمه نخست دهه 90، روسیه هاز پشتعینکاید هالیستی، بلکه با سر مشققر ار دادن منا فعلیه عینیه بر و یاور دهاستو همکاری و سیه- ناتو در مقابل تروریسم، بر اساس مفهوم و سیه منافعه عملیدر بر خور دباگر و ههای قومیمو مذهبی داخل روسیه و جمهوریهایی بر امونیهفته است. به طور کلیتو لاتیکه پساز 11 سپتامبر 2001 در ر و ابطر و سیهو آمریکا اتفاق افتاد، فراتر از همکاری علیه تروریسم و مسئله ناتو است.

روسیه به پیوند دلیل، منافعه در اباغر بمواز میدید:

آسیبپذیری در مقابل تروریسم و اذیت‌های سیاسی اسلام‌هاست، ضعف و سیه‌قدرتمندی آمریکا، نیا
ز بهر مایه‌گذار یغرب، منافع طبقاتی خبگان اقتصادیر و سیه، پیشینه فکر یو فرهنگ سیصد
سالهار و پایبو دئر و سیه.

از اینرو، مجموعهای از توافقاتی در هپساز 11 سپتامبر میانر و سیهو آمریکا
به عمل آمد هو پوتین آنرا «پایان واقعی جنگ سرد» نامید هاست که بیانی همشترک سیزده
نوامبر 2001، بیانی همشترک آمریکا و سیهو معاهد هکاهش سلا حهایه ستهاید ر خرداد
1381 (مه 2002) از آن جمله ستهند.

پوتینو سیاستخار جیجدید روسیه

باانتخابمجددولادیمیر پوتین، بهعنوانرییسجمهور آیدهر وسیهوبایوجودمشکلاتعدیدهداخلیدر اینکشور، پوتیندر اولیناظهار نظر پساز پیروزیدر انتخابات، ازسیاستخارجیر وسیهایصدحبتبهمیانآور دکهطیفیاز تداومتغییرراتجربهمیکند. چنانچه پوتیندر اجتماعدهاهازار نفریظرفدار انخوددر میدانمانژ مسکو کهدیمتریمدو دیفر بیسجمه وریر وسیهینیز در آنحضور داشت، بدوناشاره بهنامکشور خاصیااز جنجالهایتبلیغاتیمداخله جویانهغربدر جریانکارزار هایانتخاباتریاستجمهوریکشورانتقادکرد. ویافزود: مادر مبارز هسالمو منصفانهاییپیروز شدیمو ایننهتنهاانتخاباتریاستجمهوری، بلکهآزمونیبرایمردموسیهبولوسیاسیآنانبود. پوتینخاطر نشانکرد کهاینانتخاباتنشاندادههیچکسنمیتواندار ادخودرا بر ماتحمیلکند. ویاضافهکرد: اینانتخاباتنشاندادهکهمردموسیهبهسادگیقادر بهتشخیصصدسیسهایجدیدسیاسیدشمنانخودک ههدفیجزء نابوددینظامحکومتیاینکشور را دنبالنمیکند، میباشند. ویگفت: مردموسیهامروز نشاندادندکهاینگونهنساریوهادر سرزمینماتحققخواهدیافت. گفتمانپوتینپساز انتخاببهعنوانرییسجمهور آیدهر وسیهانشانمیدهدکهاینکشور، در دور انجدید زمامدار پوتینباتحو لاتگسترده- ایروبهروخواهدشد، همانطور کهبیشتر در سال1999، روسیهباپوتینآغاز یجدیدراتجربهمیکرد.

روسیهپساز سال1991(1370) رامیتوانکشوریتوصیفکرد کهشرایط جدیددر حوزهداخلیوهمدر حوزهخارجیتجربهمیکرد. روسیهدر دور انپساشور ویباز همپاشیدگیداخلیوخارجیگذشتهموا جهشد هبواز دیگر سومی- بایستساختارهایجدیدبرایتحرکدر عرصهخارجیایجادمیکرد. بر اینبنامجموعتحو لاتجدیدمو جیشدتاقرصتهاوتهدیدهایجدیدیپیشرویزمامداراناینکشور قرار بگیرد.

در عرصهسیاستخارجینیز روسیه، تحولاتچشمگیریداشتبهنحویکهدردور انپساشوروی، سیاستخارجیاینکشور بافقدانساختار تصمیمساز یوقابلیتوتوانسناریوپرداز یمنسجم، تصمیماتجزیرهایبومنفعلانهر وبهروشد هبود. در دور انبور یسیلنتسینسیاستخارجیر وسیهیبیشتر منفعلانهوجزیر هایعملمیکرد.

امبار ویکار آمدنو لادیمیر پوتیندر سال 1999 (1379)

به‌عنوان کفیلر یاستجمه‌ور یر و سیه، سیاستخار جیاینکشور، به‌گوناگونی‌ها همیشه دتغییر کرد.

به‌نظر بر خیکار شناسانسیاسی، تحولاتسیاستخار جیدور انپوتینر اشایدتو اندر دوسطحساخت

تاریور ویکر دیطبقه‌بندی کرد.

در ایندور انسیاستخار جیر و سیه در حوز هساختار یاز بیثباتیبه‌تثباتنسبی، از ساختار غیر منس

جمبه‌ساختار یمنسجم، تغیر رو یهداد.

در حوز هدیکر ینیز سیاستخار جیر و سیه به‌شدتبه‌سمتمواز نه‌ساز یمیان‌باز یگر انبینالملیجرک

تکر کرد.

از نگاه بر خیکار شناسان، در آغاز قرنیستویکم، وقو عدور خدادفضایکلانر و ابطر و سیه و غ

ر ب (به‌طور عام) و ر و ابطر و سیه و آمریکا (به‌طور اخص) را دگرگون ساخت.

رخداد نخست، و ر و دیو تینبه‌عصر صه‌سیاستر و سیه بود که به‌انگانه‌میتفاوتی و سیه و تواتاییه‌ای

نکشور به‌عنوانر بیسجمه‌ور به‌کاخکر ملینپایگذاشتور خداد دو محادثه 11 سپتامبر بود که هنظ

مبینالملیر اکاملاً متحول کرد.

امبارپایاندور انریاستجمه‌ور بیوتینور ویکار آمدنمدو دیف، سیاستخار جیر و سیه در ویکر د

هادچار چرخشیمتفاوتی تاز گذشتهدو سیاستخار جیاینکشور که پیشاز اینبامبنایی اور اسیاگرا

اما با تعادلی غرب محور شناخته می شد به یکباره با مبنایی آتلانتیک گرا»

غربگرا» و تعادلشرفمحور اجراییشد.

بر ایناساسو در چینچار چوبی، باانتخابمجددپوتینبه‌عنوانر بیسجمه‌ور یر و سیه، به‌نظر میرسد

دکه‌سیاستهایخار جیاینکشور بار دیگر تحولاتجدیدر ابه‌خودخواهددید.

زیر اباتوجهبه‌فضایمبینالملیجدیدو تحولاترخداد، سیاستخار جیوتینر ابایستیتلفیقیاز اصول

گذشته‌ور ویکر ده‌هایجدیدتلقی کرد.

اینکپوتینبه‌تبعیتاز گفتمانامنیتی اور اسیاگرا بیبهایتعبیر «لر دیالمرستون»

معتقداستکه‌ر و سیه منافعالیدار دولیدو ستانودشمناندا میندارد. بر اینمبنا، پوتیناهدافکو تا

همدتخودر انظر بر نظر تموتر بر فضایشور و یسابق، ممانعتاز گسترش نفوذمرکز دیگر قدر

تاز قبیلآمریکا و چینبه‌اینفضامتمرکز کرده‌استکه‌اینرویکر در طرحاتحادیه‌ور اسیاییوت

بینتلور یافتهاست.

همچنین، پوتیندر سیاستخار جیخودتلاشمیکندتا مفهومجددجانبه‌گرا یر ابه‌جایچندقبیلر اد

بیاتر اهر دیبیناالملیتقویتنمایدچرا که در یکفصایچندجانبهگر افر صنتبر اینقشآفر ینیر و سیهید شاز گذشتهخواهدشد.

ویدر اینر استافضاینو ینیر ایهمکار بیائنتلافخر بوساز و کار هایفر آتلا ننتیکیر ایدستگاه- هایتصمیمساز اهر دیر و سیه، باز تعریفکردهاست. شاهد بر مدعا را می‌توان در قضیه سوریه دید. به هنگامی که در سال 2013 ایالات متحده آمریکا، سوریه را به اتهام استفاده از سلاح شیمیایی بر علیه مخالفان خود تهدید به هجوم موشکی نمود. روسیه به طور جدی در مقابل آمریکا ایستاد.

بهگز ار شمنابعخبری، در سنددکتر ینسیاستخار جیر و سیهکهدر جولای 2008 (تیر 1387) تصویریکیاز اولویت‌هایاصلیسیاستخار جیاینکشور مقابلهبایکجانبهگر اییواقدامدر فضای چندقطبیتعریفشدهاست. در اینچار چو بشایدتوانولویت‌هایسیاستخار جیر و سیهدر دور انجدیدپوتیندر اصول نیلخالصهکرد:

1- افزایشنقشر و سیهدر روندحلو فصلمسایلبینالمللی

2- تغییر جهتگیر یسیاستخار جیر و سیهاز غرب (اروپا و آمریکا) به سمتشرق (منطقه‌هاور آسیا، آفریقا و آمریکایلاتین)

3- عبور از مفهوم دشمندر سیاستامنیتیو خار جیو استفادهاز مفاهیمرقابتو همکاریدر برابر غرب

4- کنار گذاشتنمفهوم نظامتکقطبیاصلتدادنبچندجانبهگر ایبینالمللی

5- مشارکتفعالر و سیهدر چار چو بنظمنوینجهانیو ممانعتاز الگوهایرفتاریکجانبهگرا

سیاستخار جیر و سیهاگر چهدر دههگذشتهبافر از ونشیهاییبسیاریمو اجهبوده، اما بهطور حتم نمیتواننقشپوتینبهعنوانقوامدهند هسیاستخار جیدیدر و سیه از نظر دور داشت. در واقعپوتیندر ساختار ساز یسیاستخار جیر و سیهپساشور و بیسیار فعالبوده‌است. در چنینچار چو بیسیاستخار جیر و سیهتوانستبامانور بیشتر ینسبتبهگذشتهاقدامکرده و قابلیتتطابقبر اساسر وندهایبینالمللیرا پیدا کند.

به نظر می-

ر سدر و یکار آمدن مجدد پوتین در روسیه و صیغه صندوبار های ابر ایویفر همکار ده استنا همزمانهم از غرب دور یکر دهو همزمان منافع حاصل از همگرایی اندر عرصه سیاست خار جیو معادلات منطقه هایوفر امنطقیهایهر هلاز مر ابیرد. به عقیده کار شناسان و ابطینا الملل، رویکرد دو اگر ایو استقلال و سیهدر نقاط مور داخلافیاض رب، سطح فو ذاینکشور ر ادر عرصه بینالمللیافز ایشمی بخشد.

اوراسیاگرایی، ایرانو سیاست خار جیو سیه

اوراسیاگر این نظر بهمشهور در سیاست خار جیو و سیهاستکه هاز دیر ایام بر رویکرد هاور رفتار ه ایمسکو در اینحوز هتأثیر داشتهاست. هو ادا ر اناین نظر یهباتأکید بر هویت متمایز و سیهاز شرق و غرب، بر اینمهمتأکید دار ندکه همسکو و باید مواضع مستقلانه ایدر عرصه بینالمللی بگیر دور و ابطباکشور هایشرقو غرب ر ابر اساس ایند هویت متمایز بنا کند. در اینمیان، از ر و ابطباکشور هایمختلفاخور میانه از جمله ایر ان نیز حمایت میشود. موسسه مطالعات ایر انو اوراسیا (ایر اس) بر ایتطبیقه چهبیشتر این نظر یهو جایگاه ایر اندر آن، گفتگوی ر ابا الکساندر گلیوچدو گین، فیلسوف مشهور و سیاستمدار روسو ر هیر «جنش بینالمللی اوراسیاگر ای» در اینکشور، تر تیداد هک هخلاصه آن در ادامه از نظر میگذرد.

اوراسیاگر ایو کفلسفه سیاسیاست که دار ایسه سطح خار جیو، میان یو داخلمی باشد. در سطح خار جیو چند قطب یاست. بدانمعنی که چندین مرکز جهانیتصمیمگیر یو جو د دار د، که یک یاز آنها اوراسیاست. منظور از اوراسیا تنهار و سیه نیست بل که روسیه بههمراهکشور هایشور و یسابق میباشند. در سطح میانیهمگر ایوکشور هایشور و یسابق در ایجاد مدلفر املی (دولت هایمختلف) است. در سطح سیاست داخلمی هم معنای ساختار سیاسی جامع هک ه به عنوان از شد ر اربط با حقوق شهر و ندی مدلیبر الوملیگر ایبرر سیمیشود. اینسه سطح فلسفه اوراسیاگر اییاست که بر مبنای آنها تنهای کشکلی سیاست خار جیو شکل میگیر دکه تنفا و تبا جهانشدن، جهانتک قطبی، ملیگر ایی، امپر یالیسم ولیر الیسم دار د. (دوگین، 1391، 30)

از نقطه نظر جهان چند قطبی، در تئور یا اور آسیا گرایی، ایر انقش کلیدی دارد. پس از انقلاب اسلامی ایران، از نظر جایگاه استراتژیک ایران، این کشور در ایجاد فضای مستقل و اور آسیا گرایی گنجاند هشتاد است. اگر قبلاً میان ایران و سیه درگیر بود، داشت و طرفین مسائل فیمابین را با جنگ حل می کردند، امروز مسائل موجود تنها از طریق اتحاد صلح آمیز و استراتژی یک طرفه فصل می شوند. به این مفهوم که مسکو و تهران امروز مسائل را با هم حل می کنند که قبلاً از طریق نظام نیز حل می شد. منافع ما با یکدیگر همپوشانی کامل استراتژیک دارند. این روند نه از طریق همگرایی، بلکه از طریق اتحاد استراتژیک محقق می شود. ایران شامل همگرایی اور آسیا گرایی می شود و تنها کشور های حوز ه شور و بی سابقه این گروه و اوراد می شوند. ایران یک تمدن خاص، یک کشور قدرتمند و مستقل است که باید محترم شمرده شود. این اتحاد را باید حفظ کرد، مانع از یکدیگر می شود که با ایران افر ض کنیم، ایران حوز ه همگرایی اور آسیا گرایی نیست، بلکه ایران شرقی و سیه در جهان چند قطبی است. منافع استراتژیک ما در آسیا مرکزی و به طور کلی حوز ه منطقه ای به طور کامل همپوشانی دارند. به این ترتیب جایگاه ایران در مد ل اور آسیا گرایی چند قطبی مرکزی است و در این مدل، تهران دیکتریز شریک مسکو است. البته شراکت با ترکیه، چین و هند نیز پیش بینی شده است.

روسیه و ساختار نظام بین الملل

تلاش و سیه در دوره پوتین بر این مکانیسم بهتر و بالاتر در ترتیباً تنظیم بین المللیتر جهان نیاز نو عبیر داشتند که با این کشور از چگونگی ساختار نظام بین المللی پس از جنگ سرد و آرمان تبدیل روسیه به قدرتی بزرگ است. روسیه از ابتدای دهه نود میلادی از جمله در دوره پوتین نظام تک قطب را به عنوان اصل ساماندهنده نظم بین المللی بر سمیت شناختن و تثبیت آن را مغانر با منافع خود در نظر می گیرد. بر این نمونه، پوتین با سخنرانی در کنفرانس امنیت و نیخدر دی 1386 (فوریه 2007) یک جانبه گرایی آمریکا و تلاش آن برای تثبیت نظام تک قطب را به چالش کشید و استقرار این نظام را منتهی به غیر قابل پذیرش، بلکه در شرایط موجود غیر ممکن دانست.

پوتین دولت مردان و نظام تک قطب را وضعیتی موقوت و ناپایدار میدانستند، که با وقوع تحولات و ائتلاف های جدید در سیستمی ظهور مرکز جدید قدرت از جمله اتحادیه اروپا، چین، هند و روسیه با سانس به چالش کشید هشتاد و دیرین می گذشت که هم از نه قدرت به شکل جدید برقرار می شد. اما به اور آن

ها، تا شکلگیرینظمحاکم "تکقطبیمتکثر"¹ و یا "شکلمتعدالیز تکقطبی"² بود. پوتینبادر نظر داشتضعفهای روسیههدفمهایکشور رادر دور هگذار بهنظمجدیداجتناباز بهچالشکشیدننظم تکقطبیوحتی تلاشبر ایحفظثباتآمنیدانست، اما تأکیدمیکرد کهمسکو بایدهمزمانگر ایشبهتکثر در اینسیستمراشویقوتمایلبهتثبیتنظم تکقطبیر اگاهشدهد.

پوتینمانندبر خیواقعگرایانروسبهر قابتتوامباتنشوبهسانبعضیاور آسیاگر اهابهر ویاروبیحت می،طبیعیو غیر قابلاجتنابدر روابطآتیر و سیهو غرمعتقدنیودبلکهپار ویکردیعملگر ایانهپرتریآمریکابهعنوانتنها بر قدر تدر نظام تکقطبیمتکثر را پذیرفت. اوهمزیستیوانطباقدوسویهو تدر یجیر و سیهو غربدر سیستمجهانیاممکندانست. پوتینبر اینمهمتأکیدداشتکهپارو جودپافشاریمسکو بر اهمیتتفاوتهایفر هنگیو تمدنیخود، انتخاب سازگار بیالزاماتمحیطینالمللیامریناگزیر است. بهاعتقاد او، مسکو باید متناسبباتغییر هایچار یواتیدر ساختار نظامینالمللکهسببتغییر در ماهیو تتهدیدها و فرصتهاشدهوخواهدشد، در موقعیت، اهدافو ساز و کار هایسیاستخارجیخودتجدیدنظر کردو باشر ایطوالزاماتجدید اینساختار سازگار شود.

ایده چندجانبهگرایی و روسیه

چندجانبهگراییبهعنوانراهحلنظریو عملیسیاستخارجیر و سیه پسا شوروی، با هدفتأکیدبر نقشو تثبیتجایگاهاینکشور در نظامبینالمللمطرحوبهعنوانعنصر ضروریرفقار راهبردیآمنوردتوجهقرار گرفت. اینایدهبازتابنگاهروسیه بهنظمبینالمللساز جنگسردو نتیجهدکچگونگیضمینجایگاهآندر ایننظم، ضمنتوجهبهکاستیهایمنابعسیاستخارجیو تغییر هایاساسیایجادشدهدر موقعیتنهادیو بینالمللیآنبود. مفهوم «جهانچندقطبی» بهویژهباتأکیداتریماکوفدر ادبیاتدیپلماتیکروسیهرواجیافت.

از نظر او، روسیهدر نظامچندقطبیبهعنوانیکیز مهمترینقطبها در جایگاههیبرابر باآمریکا، اتحادیهاروپا، چینوژاپنقرار داشتو باوجودضعفاقتصادی، عضویتدائمدن شورایامنیتوتوانمند دیهایوسیعهستهایاندلیلیبر و جاهتایمنموقعیتبود.

¹Pluralistic unipolarity

²Moderate unipolarity

پوتیناید چندجانبه‌گر انیر ادر چهار چو بیجدید، بهویژ هپساز آغان جنگر اقوباتو جهبه‌تحو لاتجدید عر صهبیناالمللاز جمله‌اصر ار آمر یکابر اینتیبیتنظامتکطبی، موجودو مگستر شنا‌تو بد هشرق، کاهشنقشساز مانملو به‌علتنبو دتو جهقدر تها یغر بیبه‌ملا حظاتم‌سکو در دستور قرار د اد.

عدم‌ستر سیر و سیه‌بساز و کار هاینهادیو عدم‌امکان‌کار بستدیلم‌سایدو جانب‌فعالبر ای‌اعمال‌تو آثیر بر تصمیم‌ساز یا آمر یکا و ناتو که خود در ادر مدیر یتر و ندهایبینا‌المللیدار ای‌حقمیدانستند. دلیم هم‌دیگر تأکیدپو تینبر ضرورتو جهبه‌ر و ندهایچندجانبه‌بود. در ایده چندجانبه‌گر انیاو، بر خلاف‌اندیش‌هنظام‌چندق‌طبیر بیاکو فکه‌هد فاصلیا‌نیه‌چالش‌کشیدنم‌وقعت بر تر آمر یکا و نهادهایغر بیبود، بار و یکر دی‌عمل‌گر ای‌انیهو باهدفتو سعه‌اقتصادیبر هم‌گر ایبیاار و پاییز رگتر، عدم‌تقابل، توقم‌خالفت‌هایبیا‌حاصل‌باناتو و هم‌کار ییز دیکتر با آمر یکا و متحدان‌انا ز جمله‌ژ این‌تأکیدمیشد.

با این‌ملاحظه، هر چندپو تینبار هابر اهمیت‌تثبیر و ندهایچندجانبه‌تأکیدکرد، اما چندجانبه‌گر ایی او هیچ‌گاه‌بار منفی‌و نگر ان‌کننده‌ای‌که‌در کلا‌ما‌سلا‌فاو قابل‌مشاهد‌بود، ر انداشت. بر این‌اساس، یک‌یاز و یژ‌گی-

هایچندجانبه‌گر انیپو تینت‌فکی‌کاین‌مفهو‌ماز مفا‌هیم‌تقابل‌گر اییو امر یکاستیز بیبود.

اوباجای‌گزینی «چندجانبه‌گر ایی»³ به‌جای‌مفهوم «نظام‌چندق‌طبی» تلاش کرد مؤلف‌هایر قابتو هم‌کار یدر اید چندجانبه‌گر اییر اجای‌گزین‌عناصر ر قابتو تنشدر اندیشه نظام‌چندق‌طبی‌سازد. در مفهومیچندجانبه‌گر ایی، روسیه‌نقش‌میتبث بر ایخو در مشارکت‌با‌غر بو حنی‌آمر یکا‌تعریف‌میکردو خودر اشریک‌تر تیب‌اتر اهر دی‌بینا‌المللییه و یژ‌هدر بار هم‌سائل‌ا‌منیتی‌میدانست.

حال‌آن‌که‌مسکو در مفهومیچندق‌طبی، مجبور بودبر ای‌حفظ‌جای‌گاهو موقعیت‌خودر نظام‌بینا‌المللا به‌عنوانیک‌ق‌طب‌ه‌زین‌ه‌هایز یادیت‌قبل کند.

در هر دو مفهومیچندجانبه‌گر ایی، تسلطو تثبیت‌نظام‌تک‌ق‌طب‌ی‌مناف‌عرو سیه‌در عر صه بینا‌المللییر ابا‌چالش‌مو اجه‌میکرد. بالینت‌فاو‌ت‌که‌در فضا‌ی‌چندق‌طبی‌این‌کشور بر ای‌حفظ‌جای‌گاهو جلو‌گیر یاز تثبیت‌نظام‌تک‌ق‌طبی‌خودر

³ چندجانبه‌گرایی (multilateralism)

عبارت‌از‌گرایشی‌ه‌این‌که‌مدیریتو‌ساماندهیمسائل‌بینا‌المللییه‌جای‌این‌که‌ه‌اقدام فر‌دیک‌کشور‌ها‌متکی‌باشد، بر‌اساس‌اقدام‌مشترک‌شمار‌زیاد‌یاز‌کشور‌ها‌یا‌به‌صور‌ت‌جهانی‌صور‌ت‌گیرد.

ادر تنگنایر قابتو تنشبا قطبیر تر میدید.
حالآنکهدر فضاچندجانبهگر اییاز طریقهکار بیاسایر قدر تها منافعخودر ا تأمینو مانعشکلگ
یرینظامتکقطبیمیشد.

راهبرد «قدر تیزر گمدر نهنچار مند»

روسیهدر دور هپساشور ویموار هدر پیآنبوده تاخودر ابهعنو انجانشیناینابر قدر تمعرفیکند
تلاشاینکشور در اینزمینهکهدر دور هایبآمریکادر شر ایطییر ابر،در سراسر دنیاودر تمامج
نبههایسیاسی،اقتصادی،اجتماعی،نظامی،فناوریوایدئولوژیکر قابتمیکرد،طبیعیبنظر
میرسید. اماواقعیتلخپسرفتهایدوره
پساز فروپاشی،تلاشیر ایرسیدنمجددبسطحآمریکار اغیر قابلباور،پرهزینهو غیرممکنمید
نمود.
از دستدادنموقعیتابر قدر تیافزونبر نخبگان،برایعموممردمکههمچنانکشور خودرا یکپایز
زرگترینقدرتهاجهانمیدانستند،باور نکر دنیبود.

مرور تحولات دوره ریاست جمهوری پوتین حاکی از تعهد او به راهبرد «قدرت
بزرگ مدرن هنجار مند» به عنوان سازوکار مناسب احیای جایگاه روسیه در
عرصه بین الملل است. او برای تحقق این هدف، روسیه را به سرعت به تعامل با
غرب و ترتیبات نوین جهانی
سوقدادو تلاشکر دبر ایدستیابیبهشناختبهتر از مسائلویافتن سازوکار بیر ایجستجو مشترکراه
حل،بهدرکیمشترکیباغربدستیابد. اودر همانحال،خودرا به حفظ منافع و خصوصیات
ویژه روسیه نیز متعهد می دانست و به مفهوم «موقعیت قدرت بزرگ»
بهعنوانجزء اساسیفرهنگور وحروسیها اعتقادداشت.
پوتینبر اینباور بودکهاینمفهومدر جایگاهیکالگویبایدار تاریخیوفرهنگی،بدونتوجهبهشرای
طداخلی،بهنوعدرکروسیههاز تحولاتبینالمللیشکلمیدهد.

عدمقابلهجوبیدر فضا یوا بستگیمتقابل

پوتیندر یافتهبودکهدر شر ایطمو جودبینالملل،پویشوا بستگیمتقابلگسترش یافته است
وبایدبر سازگاریتعدیلشد هبینمنافعملیو بینالمللیتأکیدشود. بهاینترتیب،دولتپوتین معتقد به

«وابستگی متقابل مبتنی بر چند جانبه گرایی»⁴ در شرایطی از همکاریها و وابستگی متقابل دولت-ملتها بود که بر تعامل مثبت جهت تأمین منافع تأکید دارند. با این ملاحظه، تلاش پوتین آن بود تا در سیاست خارجی خود مفاهم مشترک پیشو ابستگی متقابل را جمل همگونی منافع باز یگر انبوا و اختلاف، لزوم باز ی مثبت، ناتوانی باز یگر انملی به تأمین منفردان منافع و دفع تهدیدات و وجود مجاری متعدد تعامل امور دنظر قرار دهد.

هدف پوتین تسریع فرآیند نو ساز بی همنظور جبر انپس رفتهایر و سیهاز جایگاه شایسته خود در نظام بین الملل بود. او همکاری، عدم تقابل و تعامل مثبت با همه کشورهای از پیش شرطهای اساسی تحقق این منظور میدانست و بهیچ «راهویژهای» اعتقاد نداشت. بر این اساس، روسیه در تعاملهای خارجی خود به جای باز ی حاصل صفر باز ی یا حاصل منفی را مورد توجه قرار داده و به جای یکایده خاص، بر رویکردی ترکیبی متشکل از عناصر مثبت ایده های مختلف تأکید می کرد. (Dmitri, 2004, 29)

پوتین به خوبی میداند که نو ساز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که هدف همسایگان خود را و با او د، تنهادر سایه تعامل مثبت و نه رویارویی قابل تحقق می یافت.

به عقیده پوتین هر چند ممکن بود در خیمه دمو نخبگان سیاسی و یکر ده کار یجویانها و باغ ر بمو افق نباشند، اما همچنان که واقعتاً جایگاه محدود روسیه در صهیبن الملل بهتر در کمیشد، به Masha, 2002, هم نامیز اناز علاقمندی آنها به درگیر ی این صهنیز کاسته می شد (100)

نتیجه گیری

پوتین با تأکید بر توسعه مفهوم سیاست خارجی جیو امنیتی و سیهها بعد «سخت» و «نرم» بر این باور بود که فرصتها و تهدیدهای ملیدر طیف وسیع از موضوعات قابل تفکیک است. در دنیا یو ابستگیها متقابل، روابط و سیهها کشور های دیگر میتو انداز تعاملها یز ماقتصادی تا سد ختنظامیو در وضعیتهای مختلف همسوی بی تضاد قرار گیرد. با این ملاحظه، تلاش تصمیم ساز انسیاست خارجی و سیه در دور هیو تینا نبود تا منافع عملی در هر

⁴Interdependence Based on Multilateralism

حوز هخاصبھشيو ھھایمتفاو توبھکار آمدترینو جھممکن بر آورده سازند. آنها باتا کیدبر اصل « شرط بندی روی قوی تر » و استفادھاز موثرترین ابزار ھابر ایتحققاھد افسیاستخار جي، تلاشداشتنددر ھرز مینھخاصباکشور ھا، نهادھاو ساز مانھا ھمکار یکنندکھدر آنزمینھبیشاز سایر یندر پیشبر دمنافعملیتمر بخشباشد.

بر خیاز تحلیلگر انبر ایتوصیفاینو جھاز رویکر دسیاستخار جیر و سیھاز اصطلاح «گزینشگر یعملگر ایانه» استفادھ کرده و معتقدندیدو اقعگر ایانهبھتجر بھھاییبیشیندر عرصھخار جي، سر خور دگیاز غرب، واقعگرا یدر ارز یابیمحدو دیتمنابع، تمرکز بر اولویتھا، رویکر دغیر ایدئولوژی کدر پیگیر یاهداف، تأکید بر « عزتمندیر و شنبینانه ملی» و توجھد اکثر بھعاملاً قتصاددر حوز ھزار جیمھمتر ینعو املشکلگیر یاینر و یکر ددر سیاستخار جیپو نینبوندند.

اوبر اساسایناصل، باتا کیدبر ضرور تھمگر اییر و سیھبافر آیندھا یجھانی، بر ایناعتقادبودکھا ینکشور نبایداز ھیچیکاز بخشھایدنیاز جملھا روپاوامریکاجدا باشد، بلکھر ابطھاغرب، شد ر قوجنوبر ابایدھمز مانوبھعنواناجزاء اینفر آیندمور دتوجھقرار دھد. بھایناعتبار، تصمیمگیر ندگانسیاستخار جیر و سیھدر دور ھپوتیناز بزر گنمایاھدافو ائتلافھا یخار جیلندمدتحمایتکر ده، بلکھبر عکسدر انتخابش کایخار جیکاملاً انتخابیو گز ینشیملمی کردندتا حداقل جایگاہ خود را بھ عنوان قدرت دوم جھان تثبیت نمایند.

دولتپوتینبر اساساینر و یکر دتلاشکر دبھمباحثسننیدر خصوصانتخابش کایخار جیخاتمھداد ھو اصلکار آمدیطر فتعاملدر تأمینمنافعملیر ابدونتا کیدبر ماھیتانمور دنظر قرار دھد.

پوتینبر اینباور نبودکھ متحدانمسکو تنھادر غربحضور دارند، بھھمیندلیلر ابطھاغرب بر ابھند حویدنباالنمیگردکھمانعیبر ایتوسعھر و ابطاینکشور باسایر کشور ھا و مناطق باشد. بھعقید ھو یر و سیھنمیتواندیکسیاستخار جیکاملاً غرب گراو یاشرقگرار ادر پیشگیر د، موقعیتژئوپولیتیکیاین کشور بھگونه- ایاستکھمنافعا ندر سمتھا یمختلفقرار دار د.

پوتینبر اساساصالتعاملگز ینشیتلاشکر ددر سیاستخار جیخودسیاست «ائتلافساز یگسترده» کھتاحدمکندار اییابھھایمتعددباشدر ادر پیشگر فتھواز اینطر بھقز ینھ

ار تقاء جایگاه‌های کشورهای را کاهش دهد.
با اینملاحظه، مسکو به جای پیگیری مشارکتی اهری دیباغری بیاشرق، همکاری با کشورهای طرفهای «هماندیش» خود از جمله چین و هند در آسیا و آلمان و فرانسهدر اروپا را امور دتاکید قرار داد.
پوتین میداندست که در سالهای آینده آمریکا برتری خود بر جهان را حفظ خواهد کرد، اما بر این باور بود که باتقویت قدرت سایر کشورها، تحویلیدر این معادله صورتخواهد پذیرفت.
در آنشرایطر و سهمیتواند در ترتیباتنظام بینالمللی به موقعیتبهر دست یابد.
بر این اساس، مسکو بر ایار تقاء جایگاهها و افزایش نفوذ خود در عرصه بینالملل، ایجاد «ائتلاف های بی دردسر» با هر نهاد و یا کشور کارآمد در دستور قرار داد. این رویکرد مبتنی بر سیاست «ابر قدرتی سهل الوصول» بود، به این معنای که هر وسیله و یا ابزاری که به تنهایی یا با افزایش نفوذ جهانی خود در ایبر دازد، مبادرتبها ایجاد ائتلافها یا قبالا اعتماد و موقتبر این تقسیم این هزینهها می کرد تا بتواند شناسایی دیگران را به عنوان قدرت دوم جهان به دست آورد.

منابع

- بخشایشاردستانی، احمد(1388)، **جمهوریاسلامیایرانوبازیگراننظامینالملل**، انتشارات دانشگاهآزاداسلامیواحداهواز.
- "تقابلسیاستخارجیآمریکاوروسیهدرخاورمیانه" (شهریور 1391)، **فصلنامه موسسه مطالعاتاندیشهسازاننور**.
- "روسیهوسیاستخاورمیانهیجدید" (بهمن 1391)، گروهتحقیقتفسیرخبر، **سایتخبرگزارایرنا**.
- وحیدی، موسی الرضا(تابستان 1379)، "پوتین و تصویر آینده روسیه"، **فصلنامه مطالعات آسیایمرکزیوقفقاز**، شماره 30.
- کولایی، اله_____ه (تابس_____تان 1376)،
"تحولدرسیاستخاورمیانهایروسیه"، **فصلنامه مطالعات آسیایمرکزیوقفقاز**، شماره 18.
- Aron Leon and Kenneth Jenson (1994), **The Emergence of Russian Foreign Policy**, Washington D.C., U.S. Institute of peace press.
- Balcker, Coit d. (1998), "Russian and the West", in **The New Region Policy**, ed. M. Mandelboum, New York, council on Foreign Relations Books.
- Carpenter, Ted G. (2001), **ATO Enters the 21st Century**, London, FrankCass.
- Dobriansky Paul (winter 2000), "Russian Foreign Policy: Promise or Peril", **the Washington quarterly**.
- Lipman, Masha (December 25, 2002) "Russia's Values", **Washingtonpost**.
- Kyun Woo, Pyung (Spring 2002), "Russian National Interests and Foreign Policy", **Pacific Focus**, Vol. 17, No. 1.
- Mendelson, Sarah (Winter 2002), "U.S- Russian Military Relations: Between Friend andfoe", **The Washington Quarterly**.

- Pushkov, A. (1994), “The Primakov Doctrine and a New European order”, **International Affairs** (Moscow), vol. 4.
- The foreign policy concept of the Russian federation approved by V . Putin, **Russia today**, June 28, 2000.
- Trenin, Dmitri (February 25, 2004), “New Tendencies in Russia's foreignpolicy”, **Carnegie Endowment for International Peace**.

Russian Foreign Policy Approach from 1991 to 2011

Ahmad Bakhshayesh Ardestani⁵

Professor of Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Abstract

Prime Minister of Great Britain Winston Churchill said in 1939 that "I cannot forecast to you the action of Russia. It is a riddle, wrapped in a mystery, inside an enigma". Some of the Iranian political elites consider Russia as an un-reliable ally for Iran which largely overlap that of Churchill spoke in Persian culture. Since the dissolution of Soviet Union in 1990s and the rise of Russia, Moscow has been experiencing three foreign policy orientations: "cooperative approach to the West", "integrated approach to the West" and "look east policy". Indeed, NATO's military intervention in the former Yugoslav and ignoring the interests of Russia lead this country with a new competition in its foreign policy against the Western countries in 1999. This article deals with the Russian foreign policy outlooks to win the West's legitimization as the second great power in the world. Western Countries particularly United States are not interested in recognizing Russia as the world's second great power.

Key Words: Russia, Putin, Integrated Approach to the West, Look East policy, New Cooperation

⁵Email: bakhshayesh@yahoo.com